#پسر_سیرجانی

انتشار یک کلیپ سه دقیقه‌ای هفته‌ی گذشته سیرجان را تکان داد. یک مرد جوان دختر نوجوانی را مورد ضرب و شتم قرار می‌داد و یک نفر هم از این صحنه فیلم می‌گرفت. فیلم به سرعت دست به دست شد و مردم شهرهای ایران به آن واکنش نشان دادند. امیر به همراه همدستش چند ساعت بعد از انتشار فیلم شناسایی و دستگیر شدند. این جوان ورزشکار مشهور شد و تعداد فالورهای اینستاگرامش از سه هزار به ۲۴ هزار نفر رسید. بعد از آن هم فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که منزل مسکونی امیر در آتش سوخته است که البته بلافاصله از سوی مسئولان قضایی تکذیب شد. این اتفاق چگونه افتاد و امیر چگونه دست به این عمل وحشتناک زد؟ امیر حدود یکسال پیش در منزل محمد (کسی که از ضرب و شتم فیلم‌برداری می‌کند) با مهلا آشنا می‌شود. مهلا هم به واسطه یکی از دوستانش به این منزل آمده بود. دوستی آنها بیشتر یک‌طرفه و از سوی مهلا بوده است. در یکی از همین مهمانی‌ها امیر از مهلا در برابر چند نفر دفاع می‌کند و همین موضوع دلبستگی مهلا به او را سبب می‌شود. امیر که تمایلی به دوستی با او نداشته در برابر اصرارهایش او را در شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه بلاک می‌کند. اما مهلای ۱۵ ساله با پیج‌های فیک و شماره‌های ناشناس با او تماس می‌گیرد و برای او دردسر درست می‌کند. امیر چندین بار او را تهدید می‌کند و از او می‌خواهد دست از آزار بردارد اما او به کارهایش ادامه می‌دهد. بعد از این ماجرا مهلا صدایی از خودش منتشر می‌کند و در این صدا به امیر و دوستش المیرا که در کرمان زندگی می‌کند، فحش و ناسزا می‌دهد. همین موضوع سبب می‌شود امیر به همراه دوستش محمد درصدد تنبیه او برآیند. با همین انگیزه با نقشه قبلی او را به یک خانه‌باغ در اسحاق‌آباد دعوت می‌کنند و باقی ماجرا...

این حادثه تاثیر زیادی بر افکار عمومی داشت. عده‌ای که طرفدار فیلترینگ اینستاگرام هستند این موضوع را بهانه‌ای برای این کار دانستند، برخی تقاضای اشد مجازات برای امیر دارند و برخی هم خواستار برپایی یک نشست تخصصی برای بررسی این موضوع هستند.

یکی از مطلعان این پرونده گفت: امیرحسین حال و روز خوبی ندارد و بسیار به هم ریخته است. او گمان نمی‌کرده این موضوع چنین پیامدی به همراه داشته باشد. وی افزود: امیر کار وحشتناکی انجام داده و قطعا باید بابت این کار مجازات شود. او فکر می‌کرده این یک تنبیه ساده است و از انعکاس آن خبر نداشته است.

پاسارگاد در پرونده پیش رو سعی کرده موضوع را از زوایای جدیدی بررسی کند.

علت این اتفاقات فضای مجازی نیست

■ ارزش‌های اخلاقی‌مان دچار تغییر شده و سرمایه‌ی اجتماعی‌مان افت پیدا کرده است

■ **پاسارگاد:** انتشار ویدیوی کتک خوردن یک دختر نوجوان به دست یک پسر جوان در هفته گذشته با بازتاب‌های فراوانی در کل کشور روبه‌رو شد، به طوریکه برخی این اتفاق را تقصیر خانواده، جامعه و برخی دیگر تقصیر را گردن فضای مجازی انداختند و معتقد بودند باید فضای مجازی فیلتر شود. اما نکته قابل تامل اینکه انتشار این ویدیو نشان داد همه‌ی ما استفاده از شبکه‌های اجتماعی را بلد نیستیم و نمی‌دانیم با انتشار چنین فایل‌هایی چه تبعاتی به دنبال‌مان خواهد بود. پاسارگاد با «عباس تقی‌زاده دکترای علوم ارتباطات» در این زمینه گفت‌وگو کرده است که از نظرتان می‌گذرد.

■ **نظرتان در مورد انتشار این فیلم چیست؟**

ما در حالی فناوری‌های نوین ارتباطی را که شاخصه‌ی مهم آن‌ها رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است، در اختیار گرفتیم که از دانش کافی برای استفاده از آن‌ها برخوردار نیستیم. پخش همین فیلم و تصاویر نشان می‌دهد که ما یک موضوع خیلی معمولی را رعایت نمی‌کنیم. حریم خصوصی و حریم عمومی را تشخیص نمی‌دهیم. گرچه در این فضا مرز بین حریم خصوصی و عمومی خیلی واضح و مشخص نیست. باید بدانیم هر مطلبی را وقتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنیم، حتی اگر به فرض در یک گروه خانوادگی باشد، این دیگر به معنی خصوصی یا شخصی بودن نیست. چون به هر حال می‌تواند از سوی افراد دیگری بازنشر داده شود. پس توجه داشته باشید قبل از اینکه چیزی را در فضای مجازی منتشر کنیم بدانیم که به محض اینکه آن را بارگذاری کردیم، دیگر مالک آن محسوب نمی‌شویم و نمی‌توانیم کنترلی روی آن داشته باشیم.

■ **یعنی خیلی از افراد از عواقب پخش فایل‌های خصوصی‌شان در این فضا بی‌خبرند؟**

کاری که این فرد انجام داده کار ناشایستی بود اما اینکه فرد می‌آید از کارش فیلم می‌گیرد و آن را منتشر می‌کند حالا گفته من انگیزه انتقام‌جویی داشتم ولی نمی‌دانسته که انتشارش در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند چه عواقب جبران‌ناپذیری برای خودش و آن دختر خانم داشته باشد. یعنی خیلی از افرادی که دچار مشکل می‌شوند تصور نمی‌کنند که انتشار تصاویر یا ویدیوها می‌تواند چه تبعاتی داشته باشد. چون دیگر از کنترل آن‌ها خارج است و جامعه در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. این فیلم حاوی صحنه‌هایی بود که احساسات جامعه را تحریک می‌کرد. البته در کنار معایبی که ما می‌توانیم در نظر بگیریم و آسیب‌هایی که وجود دارد خود انتشار و بازنشر آن باعث حساسیت و ورود مراجع قضایی شد. یعنی اینجا نشان داده شد رسانه‌های اجتماعی از ظرفیت نظارت برخوردار هستند و به نوعی می‌توانند به حقوق شهروندی، برقراری عدالت و برخورد با تخلف و جرایم کمک کنند. این نکته مثبتی بود از این جهت که اگر منتشر نمی‌شد این ماجرا هم کشف نمی‌شد. مثل خیلی از اتفاقات مشابهی که در شهرهای دیگر می‌افتد و کسی باخبر نمی‌شود. اما نکته‌ای که باید در نظر بگیریم اینکه ما در عین حال که به معلول‌ها می‌پردازیم و با این پدیده‌ها برخورد می‌کنیم، باید به این فکر کنیم در جامعه چه تغییراتی صورت گرفته که این‌ها دارد اتفاق می‌افتد و چگونه افرادی بی‌شرمانه بدون احساس مسئولیت مبادرت به تخلف می‌کنند و آن را منتشر می‌کنند.

■ **به نظرتان چرا؟**

ما به هر صورت ارزش‌های اخلاقی‌مان دچار تغییر شده و سرمایه‌ی اجتماعی‌مان افت پیدا کرده است. به هر حال ما تغییراتی در بُعدهای فرهنگی و اجتماعی داشتیم که فضای مجازی این را به نمایش می‌گذارد. این نکته را باید در نظر بگیرید آنچه در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم چیز غیرواقعی نیست. در واقع آن‌ها بازتابی از جامعه و شرایط جامعه هستند که حالا فضای مجازی کمک کرده تا نمایان شوند. یعنی اگر شبکه‌های اجتماعی را حذف کنیم، به معنی حذف ناراستی‌ها، کج‌رفتاری‌ها و رفتارهای ناشایست نیست. آن‌ها وجود دارند فقط شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود دیده شوند و افکار عمومی نسبت به آن‌ها حساس شوند. چرا؟ چون افکار عمومی عموما حول اطلاعاتی شکل می‌گیرد که مردم راجع به آن بحث و گفت‌وگو می‌کنند. کاری که آن فرد انجام داده کار صحیحی نبوده اما کار ناصحیح‌ترش انتشار آن بود. وقتی ما از یک عمل ناشایستی فیلم می‌گیریم و آن را منتشر می‌کنیم به تدریج وقتی این‌ها فراوان شوند قبح و زشتی آن‌ها کم می‌شود و عادی می‌شوند. در عین حال تصویری که از آن شهر، منطقه و استان و در نهایت کشور و فرهنگ ما شکل می‌گیرد یک تصویر مخدوش است که به فرهنگ ما لطمه می‌زند. ما نباید فراموش کنیم آنچه که در این فضا داریم منتشر می‌کنیم درست است که مربوط به منطقه‌ای مثل سیرجان است اما وقتی در یک رسانه اجتماعی و شبکه مجازی منتشر می‌شود دیگر از جغرافیای سیرجان خارج می‌شود. یعنی موضوعات در عین حالی که محلی هستند جهانی می‌شوند یعنی باید افرادی را که وارد این فضا می‌شوند، کاملا به عواقب کار و نتایج و پیامدهای آن آگاه کنیم و بدانند کاری را که در فضای مجازی انجام می‌دهند، دقیقا محدوده جغرافیایی و تاثیر گذارش مشابه آن چیزی است که در فضای واقعی انجام می‌دهند.

■ **به نظر می‌رسد ما نحوه استفاده از فضای مجازی را بلد نیستیم و آموزش هم داده نمی‌شود؟**

من نمی‌گویم اصلا آموزشی وجود ندارد. آموزش وجود دارد اما کافی نیست یا در بسیاری از موارد آموزش‌های موثری نیستند یا اینکه ما جامعه هدف را برای آموزش درست نتوانستیم انتخاب کنیم. بیشتر کسانی که استفاده می‌کنند و این استفاده‌شان بسیار زیاد است قشر نوجوان و جوان هستند و اولویت آموزش را باید به این گروه سنی اختصاص دهیم. فرد با حضور در شبکه‌های اجتماعی تبدیل به یک رسانه می‌شود و مثل یک رسانه محتوا تولید می‌کند و محتوا را می‌تواند ویرایش و منتشر کند. وقتی طرف این آزادی عمل را پیدا می‌کند، طبیعی است که ملاحظات اخلاقی را ممکن است رعایت نکند و در نتیجه انتشار آن باعث آسیب‌های نوپدید در فضای مجازی می‌شود. فناوری‌ها در حال گسترش هستند و با سرعت به پیش می‌روند و ما باید سرعت آموزش خودمان را با آن‌ها هماهنگ کنیم و ما باید در زمینه زیرساخت‌های فنی و آموزش به سرعت و با یک برنامه همه‌جانبه ورود کنیم. هر نوع اتلاف وقت عواقب جبران‌ناپذیری دارد و انتشار همین موارد نشان می‌دهد که ما در بحث آموزش آن طور که باید مؤثر و کارا وارد نشدیم و به یک جنبش آموزش سواد رسانه‌ای در کشور نیاز داریم. جنبشی که نباید صرفا نگاه دولتی به آن داشته باشیم. دولت، صداوسیما، نهادهای غیردولتی و مردمی، فعالان، اولیا و مربیان و بخش‌های مختلف جامعه باید احساس مسئولیت کنند و در این قضیه ورود پیدا کنند.

■ **بعضی‌ها همه تقصیرها را گردن فضای‌مجازی می‌اندازند و معتقدند باید فیلتر شود؟**

فضای مجازی به هر حال جزیی از زندگی ما شده و باید آن را به رسمیت بشناسیم. وقتی آن را به رسمیت شناختیم و ابعادش را شناختیم، راه‌های چگونه استفاده کردن و مواجهه با آن را یاد می‌گیریم. اینکه ما هنوز نمی‌دانیم فیلتر بکنیم یا نکنیم، مجاز هست یا نیست باید از این‌ها گذر کنیم چون داریم وقت را از دست می‌دهیم و دچار عقب‌ماندگی و شکاف می‌شویم. چون فناوری اطلاعات می‌تواند شکاف بین جوامع توسعه‌یافته و نیافته را عمیق‌تر کند.

■ **بعد از این اتفاق تعداد فالوورهای پسر جوان بسیار بالا رفت و برخی افراد زیر پست‌های وی فحش و ناسزا نوشته بودند، این واکنش‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

متاسفانه رفتارهای احساسی باعث می‌شود که برخی از افراد حتی دنبال شهرت منفی باشند. یعنی تمایل پیدا می‌کنند که مشهور شوند. چون از راه‌های مثبت و درستش نمی‌توانند مشهور شوند و آن شهرت هم زمانبر است. تمایل به دیده شدن دارد در جامعه افزایش پیدا می‌کند، پس طرف می‌رود دنبال راه‌های کوتاه‌مدت، و یکی از راه‌های کوتاه‌مدت همین شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تصویر و ویدیو است که منجر می‌شود شما با انتشار یک ویدیوی جنجالی به شهرت برسید و تعداد دنبال‌کننده‌های صفحه شما افزایش پیدا کند. خود این نشان می‌دهد که دانش ما در این حوزه ضعیف است. وقتی که ما به جمع دنبال‌کننده‌های صفحه این فرد اضافه می‌شویم، این در نهایت نوعی تایید کار فرد است. چون یکی از سرمایه‌های افراد امروز تعداد دنبال‌کننده‌های صفحات‌شان است و این نوعی شاخص است و در آینده هم این شاخص شاید به عنوان یک بخش از ملاک سرمایه اجتماعی افراد قرار بگیرد. اینکه ما بیاییم فحاشی کنیم یک کار اشتباه را با یک کار اشتباه پاسخ می‌دهیم، هم کار نادرستی است. باید احساسات‌مان را کنترل کنیم و هوش هیجانی داشته باشیم و عقلانی برخورد کنیم. ما از این باید به جنبه‌های دانشی، شناختی، فناوری و جنبه اخلاقی آن هم توجه کنیم.

■ **به نظرتان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در کشور باید وارد چه مرحله‌ای شود؟**

استفاده از شبکه‌های اجتماعی باید در کشور ما قانونمند و هدفمند شود نباید هر کسی با هر شرایط سنی از این شبکه‌های اجتماعی استفاده کند. در بسیاری از کشورها برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی رده‌بندی سنی وجود دارد و سیم‌کارت‌های خاصی در اختیار افراد است که بر اساس هویت و شرایط سنی‌شان اجازه‌ی ورود به رسانه‌های اجتماعی را می‌دهد. اگر کانال یا گروهی باشد که با آن شرایط سنی هم‌خوانی نداشته باشد، مدیر پاسخگوست. در واقع مدیر باید اطلاعات را چک کند. مسئولیت حضور افراد زیر سن قانونی در این شبکه‌ها با والدین است، اما متاسفانه ما در این زمینه کار خاصی انجام ندادیم و سیم‌کارت‌هایی که ما داریم در واقع ارتباطی با سن افراد ندارد، سیم‌کارتی را که یک دانش‌آموز ۹ ساله از آن استفاده می‌کند یک فرد چهل ساله نیز دارد استفاده می‌کند. لازم است در کنار آموزش‌هایی که باید داده شود، زیرساخت فنی در این زمینه شکل بگیرد. البته برخی به کمک این رسانه‌های اجتماعی دنبال قدرت کاذب هستند. مثلا این آقا پسر وقتی دختر خانم را کتک می‌زده احساس قدرت و غرور می‌کرده و وقتی این را منتشر کرده این غرور و قدرتش را به رخ دیگران می‌کشد. یعنی وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم پدیده‌هایی که دارد در این فضا رواج پیدا می‌کند ریشه در زندگی واقعی افراد دارد. به عبارتی من می‌خواهم بگویم ما نباید رابطه علت و معلولی بین فضای مجازی و این پدیده‌ها برقرار کنیم. علت این‌ها فضای مجازی نیست. علت این‌ها جاهای دیگر است و آن علت‌ها را باید شناسایی کنیم. به هر حال در زیر این آرامشی که ما در جامعه می‌بینیم، در لایه‌های جامعه اتفاقات و آسیب‌هایی وجود دارد که آن‌ها را باید شناسایی کنیم و پی درمان آن‌ها به شکل علمی و منطقی و نه احساسی و سلیقه‌ای باشیم. اگر ما فضای واقعی را بتوانیم مدیریت و پالایش اخلاقی کنیم مطمئن باشید فضای مجازی‌مان هم اخلاقی می‌شود.

■ **خیلی‌ها معتقدند با این اتفاق آبروی سیرجان رفته است، نظرتان چیست؟**

شما وقتی مطلبی را منتشر می‌کنید تصویر آن در ذهن گیرنده است. اگر کسانی که این را دریافت می‌کنند، برداشت‌شان این باشد که انتشار این فیلم دید منفی نسبت به سیرجان ایجاد می‌کند، این گفته درست است. ولی در عین حال این پدیده‌ها در خیلی از جاها اتفاق افتاده ولی در رسانه‌های اجتماعی منعکس نشده است. یعنی اگر کمی منصفانه‌تر قضاوت بکنیم نباید این را به یک شهر خاص نسبت بدهیم مگر اینکه فراوانی آن افزایش پیدا کند و از یک حدی فراتر برود. به هر حال چون فردی که این فیلم را منتشر کرده سیرجانی بوده خواسته یا ناخواسته به اعتبار سیرجان لطمه زده و این باید یک هشدار برای همه ما باشد که چیزی را که در این فضا منتشر می‌کنیم در برابرش مسئولیت اجتماعی داریم. و این اتفاق نه تنها در استان جنبه منفی برای سیرجان دارد، در کشور جنبه منفی برای استان و در خارج از مرزهای ایران، جنبه منفی برای کشور دارد. پس ببینید یک فایل شخصی چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد. چون این یک فضای جهانی است. ما باید الفبا، ساختار و چهارچوب این فضا را بشناسیم و رفتار خودمان را تنظیم کنیم. لازم است که جنبش تولید محتوای مفید و ایمن را همه شهروندان در این فضا داشته باشیم و جنبه‌های مثبت و بسیار غنی فرهنگ خودمان را به نمایش بگذاریم که می‌تواند خنثی‌کننده چنین پدیده‌هایی باشد. در عین حال نباید فراموش کنیم که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان یک ناظر عمل کنند و خود این باعث می‌شود خیلی از مشکلات دیده و به آن‌ها رسیدگی شود.

گفت‌وگو با محسن نیک‌ورز دادستان سیرجان:

حقوق متهم مدنظر قرار می‌گیرد

■ **حسین اطمینان:** چند ساعت پس از انتشار فیلم ضرب و شتم دختر نوجوان در فضای مجازی، اکثر رسانه‌های داخلی و فارسی‌زبان خارجی به آن واکنش نشان دادند. در شبکه‌های اجتماعی و برخی نشریات بدون در نظر گرفتن حقوق متهم به امیر (متهم ردیف اول این پرونده) تاختند و برخی برای او تقاضای حکم اعدام هم کردند. این که وی مرتکب جرمی شده و مستحق مجازات است بر کسی پوشیده نیست اما هیاهوی ایجاد شده چقدر بر روند قضایی پرونده تاثیر دارد؟ این موضوع را از محسن نیک‌ورز دادستان عمومی و انقلاب سیرجان جویا شدیم و او علاوه بر پاسخ به این سؤال در مورد شایعات و آخرین وضعیت پرونده هم توضیحاتی ارایه کرد.

■ **آیا روند پیگیری این پرونده تحت تاثیر این هیاهو قرار نمی‌گیرد؟**

اصلا! اگر بنا باشد در هر پرونده ما هیاهوی ایجاد شده را مد نظر قرار دهیم که روند پرونده عوض می‌شود. ما بر اساس مقررات قانونی خودمان و رفتار مجرمانه‌ای که این شخص داشته در انطباق با مواد قانونی مجازات‌های جنبه عمومی‌اش را تعیین و اجرا می‌کنیم. سه اتهام آزار و اذیت دختر نوجوان، انتشار فیلم ضرب و شتم در فضای مجازی و نگهداری غیرقانونی دختر نوجوان به متهم ردیف اول تفهیم شده است.

■ **ایشان یک انسان است، درست که رفتار قبیحانه‌ای انجام داده ولی باید حرمت انسانی‌اش نگه داشته شود و حقوق‌اش به عنوان یک متهم حفظ شود.**

بله این موضوع مدنظر قرار می‌گیرد.

■ **یک شایعه وجود دارد که متهم از ترس اینکه در زندان اذیت شود و ممکن است مورد ضرب و شتم قرار گیرد، بنابراین در بازداشتگاه نیروی انتظامی نگهداری می‌شود.**

نه چنین چیزی صحت ندارد. ایشان در زندان نگهداری می‌شود. اما در ابتدای امر زندان باید آزمایش‌هایی را انجام دهد و بعد هم در بند مربوطه نگهداری می‌شود. ما متهم را به دلیل این موضوعی که شایعه شده در بازداشتگاه نیروی انتظامی نگه نمی‌داریم. ما برای تکمیل پرونده یک سری اطلاعات فنی می‌خواستیم و لازم بود تحقیقاتی انجام بگیرد. گهگاهی متهم در اختیار مرجع انتظامی مربوطه مثل پلیس فتا و آگاهی قرار می‌گیرد و بعد هم دوباره به زندان بازگردانده می‌شود.

■ **این فیلم را ابتدا امیر در اینستاگرام خودش منتشر کرد و بعد هم یک نفر دیگر این فیلم را از روی اینستاگرام امیر برداشت و به صورت گسترده در فضای مجازی منتشر کرد آیا آن فرد هم دستگیر شده؟**

بله نفر سوم پرونده که عامل ابتدایی انتشار بوده دستگیر شده و با تفهیم اتهام، پرونده این فرد هم به دادگاه می‌رود.

■ **موضوعی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که با دستور دادستانی قرار است این دختر نوجوان به بهزیستی تحویل داده‌شود، چنین موضوعی درست است؟**

نه! اصلا چنین چیزی مطرح نشده و من هم اطلاعی ندارم. این دختر مادر و خانواده دارد. الان هم تحویل خانواده است و از او نگهداری می‌کنند. درخواستی هم از هیچ مرجعی مثل بهزیستی به ما داده نشده است.

■ **در مورد آخرین وضعیت پرونده هم توضیحی می‌دهید؟**

مراحل انتهایی تحقیقات در دادسرا در حال انجام است. باید «پرونده شخصیت» تشکیل دهیم و یک سری معاینات پزشکی و روحی و روانی صورت بگیرد تا ببینیم متهم مشکلی ندارد. بعد از تکمیل در دادسرا پرونده به دادگاه سیرجان ارسال و در آنجا حکم صادر می‌شود.

آن ویدئو و خیالات باطل ما!

■ **امین شول سیرجانی:** حالا که سر و صداهای انتشار ویدیوی آزار فیزیکی پسر جوان به دختر جوان کمی فروکش کرده، بهتر می‌توان در این باره سخن گفت به این امید که گوش شنوایی پیدا شود. نمی‌دانم حالا که دارید این یادداشت را می‌خوانید جزو کدام دسته از مخاطبان هستید. کسانی که رگ غیرت‌شان بیرون زده و خواهان اشد مجازات برای آن پسر خطاکار هستند یا آنها که اشد مجازات قانونی را کافی نمی‌دانند و در خیال خودشان دل‌شان می‌خواهد شخصا به حساب آن پسر جوان رسیدگی کنند. یا نه، جزو گروهی هستید که انگشت اتهام را متوجه دختر ماجرا می‌دانند و عقیده دارند هر چه بلا و خطا بوده حاصل رفتار ناصواب دختر است. اولین پیش‌فرض غلط ما درباره آدم‌های خطاکار آن ویدیو این است که خیال می‌کنیم آن اتفاق مربوط به دیگری است و خودمان را از این حوادث مبرا می‌دانیم. برای اثبات این خیال باطل جملاتی کلیشه‌ای هم داریم. ممکن است از موضع بالا و از سر کم‌اطلاعی حادثه را ریشه‌یابی هم بکنیم. مثلا ممکن است بگوییم اگر خانواده‌های دختر و پسر حواس‌شان به بچه‌های‌شان بود این طور نمی‌شد و در دل‌مان بگوییم الحمدالله دختر و پسر ما بچه‌های خوبی هستند و ما کارمان خیلی درست است. ممکن است تقصیر را بر گردن شبکه‌های اجتماعی بیندازیم و آرزو کنیم که کاش شبکه‌های اجتماعی فیلتر می‌شدند. شاید هم عده‌ای از ما پا را فراتر بگذارند و به پسر و دختر خطاکار و خانواده‌های‌شان نسبت‌های ناروا بدهند و با عینک تحقیر آنان نگاه کنند. بر من روزنامه‌نگار یک لاقبا ببخشید اما راستش هر کدام از ما جز هر کدام از این دستـه‌ها که قرار بگیریم، باید برای کج‌فهمی متاسف باشیم. در این باره چند نکته را باید یادآوری کرد:

۱. پدیده‌های اجتماعی چندوجهی و چند لایه‌اند. آنچه درباره دختر و پسر جوان رخ داد فقط یک نشانه است. مثلا می‌تواند نشانه فقدان مهارت ارتباط اجتماعی (خصوصا با جنس مخالف) در میان کودکان و نوجوانان و جوانان باشد. فردی که مهارت ارتباط اجتماعی را فرا نمی‌گیرد، هر لحظه‌ای از زندگی ممکن است تحت تاثیر عوامل بیرونی و محرک دست به خطاهای مختلفی بزند. در این مورد قرعه به نام این پسر و دختر افتاده اما معنی‌اش این نیست که فقط این دو تن خطاکارند. همین طور این اتفاق را می‌توان نشانه‌ای از سطح پایین «تاب‌آوری فردی» هم قلمداد کرد. بر همین مبنا باید تحلیل کرد که چرا جوان ۲۰ ساله ما در برابر یک بحران ارتباطی نمی‌تواند تاب بیاورد و به واکنش خشونت‌آمیز دست می‌زند.

۲. پسر خطاکار این پرونده بازداشت شده و قرار است از جنبه قضایی به رفتارش رسیدگی شود. باید بدانیم که تقاضای تشدید مجازات برای او تحت تاثیر فضای احساسی حاکم بر جامعه یک خطای آشکار است. معنای حرف من این نیست که پرونده متهم رسیدگی نشود اما اکنون بسیاری از حقوقدانان بر لزوم در پیش گرفتن سازوکارهای عدالت ترمیمی به جای عدالت تنبیهی تاکید دارند. عدالت ترمیمی بر مرمّت آسیب‌های ناشی از جرم و نه صرفا مجازات مجرمان تمرکز دارد. عدالت ترمیمی همچنین بر ترمیم آسیب ناشی از رفتار مجرمانه از طریق فرآیندهای تعاونی شامل همه ذی‌نفعان (قربانیان، مجرمین، و جوامع) تلاش می‌کند(۱). استفاده از مجازات تنبیهی شدید درباره یک جوان خطاکار ممکن است موجب نقض غرض شود و به پایگاه اجتماعی و سلامت روان او آسیب جدی بزند. پیشنهاد می‌کنم دستگاه محترم قضایی فضایی را فراهم کند تا یک جامعه‌شناس برجسته به اتفاق یک روانشناس کاربلد با این پسر و دختر چند جلسه مصاحبه برگزار کنند تا بهتر بتوان در این‌باره تصمیم گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند بعدا چراغ راهی باشد برای موسسات فرهنگی شهر تا برنامه‌های آموزشی و فرهنگی‌شان را هدفمندتر اجرا کنند.

۳. خطر بروز هر نوعی از آسیب اجتماعی بیخ گوش همه ماست. فقیر و غنی و بالاشهری و پایین‌شهری و فرهنگی و غیرفرهنگی و مذهبی و غیرمذهبی هم نمی‌شناسد. یافته‌های تحقیقات علمی درباره خانواده ایرانی نشان می‌دهد طی یک دهه میانگین گفت‌وگوی اعضای خانواده از دو ساعت به ۲۰ دقیقه کاهش یافته است(۲). از خانواده‌ای که میان اعضای آن گفت‌وگو جریان ندارد نمی‌توان انتظار داشت که اعضای آن مسایل‌شان را با یکدیگر در میان بگذارند. این مسئله همه ماست. نشانه‌ها را جدی بگیریم و به آنها پوزخند نزنیم. آن ویدیو یک سیلی بود به صورت همه ما، اگر اهل درد باشیم، باید آن را حس کنیم.

منابع: ۱. عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال و نوجوانان با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ایران، ولی‌الله بزی‌الهری، سیدحسن صادقی، ۱۳۹۵

۲. عالیه شکربیگی، جامعه‌شناس، گفت‌وگو با روزنامه اعتماد، ۱۳۹۷

دستگاه‌های حاکمیتی باید از خودشان شروع کنند

■ **سیامک زندرضوی:** از سه منظر به این خشونت نگاه می‌کنیم؛ **پرده اول:** اولین سؤال این است چرا نوجوانان و جوانان ما خشونت عریان را که هم کلامی است و هم ضرب و شتم نه تنها اعمال می‌کنند، بلکه مهم‌تر اینکه آن را اطلاع‌رسانی می‌کنند یعنی این را با اختیار خودشان در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. در جامعه‌ای که ما به خشونت به عنوان یک پدیده خطرناک، آزاردهنده و پدیده‌ای که باید ممنوع باشد توجه نمی‌شود. از کجا شروع می‌شود؟ از دستگاه‌های حاکمیتی، حالا چطوری؟ من مثال می‌زنم: آقای بخشی نماینده کارگران نیشکر هفت‌تپه مدعی است مورد ضرب و شتم و خشونت قرار گرفته است. این را مقایسه کنید با مدت زمانی که دادستان وارد مسئله ضرب و شتم جوان سیرجانی شد. حتی وقتی که شاکی خصوصی هم وجود ندارد یعنی قبل از اینکه دختر شکایت کند، دادستانی وارد می‌شود و پسر را سه ساعته دستگیر می‌کند. سؤال این است: آیا حاکمیت با همین سرعت و دقت هم می‌تواند وارد قضیه اسماعیل بخشی شود؟ اگر می‌خواهند این خشونت در جامعه نباشد اول باید دستگاه‌های حاکمیتی از خودشان شروع کنند. یعنی اینکه وقتی فردی مثل آقای بخشی چنین ادعایی می‌کند بلافاصله دادستانی وارد شود، مقامات مسئول وارد شوند و این کمیته تحقیقی که بعد از هفته‌ها تشکیل شد و هنوز هم آقای بخشی با آن ملاقات نکرده است، به سرعت تشکیل شود. اما وقتی چنین نمی‌شود، معنی‌اش این است که ما به خشونت رسمیت می‌دهیم؛ یعنی اشکالی ندارد یک خشونت اتفاق بیافتد. ما قبلا هم از این نمونه‌ها داشتیم، خاطرتان باشد در میدان کاج تهران یک جوانی با خشونت عریان یعنی با چاقو یک جوان دیگر را می‌کشد. آن موقع هم نیروهایی که از دسته‌های انتظامی بودند آنجا حاضر بودند، در واقع هیچ دخالتی نکردند. بعدا معلوم نمی‌شود که آیا با این برخورد شده و اگر شده چگونه انجام شده است. پس ما برای اینکه خشونت را کم کنیم اول باید دستگاه‌های حکومتی - حاکمیتی به خشونت‌هایی که توسط ماموران‌شان یا دادگاهی که در مورد خشونت ماموران‌شان اعلام می‌شود، فوری رسیدگی کنند. دستگاه قضایی وارد شود و دادگاه منصفانه‌ای برگزار و افکار عمومی و وجدان جمعی قانع شود که کسی که خشونت را روا داشته به خوبی محاکمه شده و البته حق دفاع از خودش را هم داشته است. بنابراین علنی کردن بررسی‌هایی که ماموران دستگاه‌های حاکمیتی انجام می‌دهند اولین پادزهر خشونت در جامعه است. با چنین برخوردهایی آن جوان می‌فهمد که زمانی این‌ها به خشونت نیروی خودشان سه ساعته رسیدگی می‌کنند، مواظبت می‌کند که خشونتی انجام ندهد و اگر هم انجام داد، به سرعت خودش وارد شود و رضایت شاکیان را بگیرد. اما درسی که ما به جامعه می‌دهیم عکس این است. یعنی شما دقت کنید، نمایندگان مجلس وارد قضیه اسماعیل بخشی شدند از جمله نماینده ایلام که اعلام کرد ایشان با ما صحبت کرد و هیچ خشونتی انجام نشده است. یعنی در حقیقت ایشان در مقام دادستان و قاضی تحقیق وارد شد، حکم را صادر و اعلام کرد. این پیامی که دارد به جامعه‌ی ما می‌دهد این است که خشونتی هم باشد یک نفر می‌تواند بیاید بگوید نبوده است و عملا کار دادستانی، دادگاه، اعلام حکم را یک تنه انجام می‌دهند. این رویه باید در مجلس محکوم شود. چون اولین پیام چنین رفتارهایی به جوانان ما این است که خشونت در این کشور مقدس است و اجرا کردنش عیبی ندارد.

پرده دوم: در نظام آموزشی ما تحقیر و توهین به زن به خوبی باز نشده است. یعنی در حقیقت شما عکس‌ها و مطالب کتاب‌های درسی را نگاه کنید. همیشه پسرها یک پله بالاتر از دخترها بوده و توانا‌تر و محق‌تر نشان داده می‌شوند. جاهای بهتری دارند، کارهای بهتری انجام می‌دهند و در واقع برابری دختر و پسر به لحاظ حق و حقوق انسانی نه پررنگ می‌شود و نه تاکید می‌شود. در حقیقت هر پسری مثلا خواهرش را نسبت به خودش ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌داند که می‌تواند همیشه دستش را روی آن بلند کند. پس نظام آموزشی ما هم با دوگانه کردن و زن و دخترها را پایین‌تر نشان دادن خودش برای این نوع خشونت‌ها بسترسازی می‌کند.

پرده سوم: بعضی از خانواده‌ها با اولویت دادن به پسرهای‌شان در همه موارد به ویژه در سیرجان و استان کرمان و جاهای دیگر و حاشیه‌های کشور باعث می‌شوند که پسرها همیشه این را به خودشان حق دهند که دستشان را روی خواهرشان بلند کنند، خشونت کلامی را به کار ببرند و درخواست‌های‌شان را به آن‌ها تحمیل کنند.

اما راه‌حل چیست؟ راه‌حلش هم ساده است ما در کشورمان پیمان‌نامه حقوق کودک را بیست و چند سال پیش پذیرفتیم اما در این بیست و پنج سال مهم‌ترین بندش را که آموزش این پیمان‌نامه به کودکان، والدین، جوانان، نیروهای انتظامی و دستگاه‌های دیگر است تا یاد بگیرند چه جوری بایستی نسبت به همدیگر حق انسانی را ادا کنند، اجرا نشده است. زمانی که این موضوع جزو تمرین روزانه کودکان و خانواده‌های ما نباشد، طبیعی است با این بستر خشونتی که حاکمیت و نظام آموزشی ایجاد می‌کند اجازه می‌دهد که جوان دست به این اقدام بزند. بنابراین در قدم اول بایستی دستگاه‌های حاکمیتی از خودشان شروع کنند و طوری باشد که همه یاد بگیرند که با خشونت بلافاصله برخورد می‌شود و پیامدهایش شامل کسی که خشونت اعمال کرده خواهد شد.

افسار گسیخته‌ها

به نظر می‌رسد فصل مهندسی افکار، تربیت بنیادین و همچنین قابلیت اعمال کنترل‌های فیزیکی، سپری شده باشد

■ **هوشنگ پوررضاقلی**

رویه‌ی آشکار رفتارهای اجتماعی حکایت از پذیرش نسبی هنجارهای حاکمیتی دارد و نشانه‌هایی کم‌تعداد از بی‌اعتنایی هنجاری دیده می‌شود. عرصه اجتماعی ناشی از الزامات و بایدها و نبایدهای حاکمیتی همراه با تمایلات کم‌رنگ از تذکرات یا نمایش نارضایتی مردمی، مهیای نمایش هنجارشکنی پرتعداد و حداکثری نیست، اما در یک لایه بعد، از عرصه تاعمق غیرقابل دسترس لایه‌های اجتماعی (عیان) روند دیگری بر خلاف همه اراده‌ها، ایده‌آل‌ها و مطلوبیت‌ها در جریان است.

در گره‌خوردگی چندلایه روابط تودرتوی جنس مخالف در بازه سنی کمتر از ۲۰ سال گونه‌ای از سازماندهی و انسجام برقرار است. وقتی دخترکی نوجوان و فعال در روابط بی‌مهر و کنترل رایج این دوران و در آمیزه‌ای از شیطنت، حسادت، دگرآزاری، رقابت، هیجان‌خواهی و قدرت‌نمایی، به نوجوان هم‌جنس خود که با پسر جوانی مرتبط است، فحاشی و توهین می‌کند، به محض تقاضای پسر نوجوان برای به دام‌اندازی و روکم‌کنی به سبک سرخ‌پوستی، گروهی از دوستان و معاشران هم‌جنس و غیرهم‌جنس فعال می‌شوند تا روندی طراحی و اجرا گردد که بر خلاف بدیهیات مسلم عقلی، از تهران به سیرجان بیاید و به ملاقات در باغی واقع در فاصله ۳۰ کیلومتری شهر حاضر شود. از منظر انسجام خانوادگی این بازی نشان از گسیختگی و آشفتگی دارد. آن گونه که دختر نوجوان امکان می‌یابد تا سفری پرمخاطره را تا اعماق یک خانه‌باغ ناشناخته انجام دهد بی آنکه که از هویت، تعداد، جنسیت، شخصیت، انگیزه و هدف افراد مقیم آن اطلاع داشته باشد. این نه شجاعت است و نه جسارت. حتی به نظر می‌رسد حماقت هم نیست. این اصل واقعیت است که از پذیرش آن گریزانیم و استدلال‌مان هم این است که این رخداد یک غلط است در برابر هزاران صحیح.

واقعیت این است که تعاملات در انسان با همه ویژگی‌های مترتب بر آن و برآمده از ساختِ فکری، نیاز جنسی، احتیاج روحی و روانی، تمناها و آرزوها، رقابت‌ها، حسادت‌ها، پیشی گرفتن‌ها و سبقت‌جویی‌ها ادامه دارد و اگر منصه ظهور و بروز نیابند، به معنای نبود نیست. تجربه‌های بی‌شمار در طول تاریخ نشان داده که این تعاملات حتماً به عمق نامشهود منتقل می‌شود تا در نامشهودی مطلق به رفتار پنهان زیرزمینی، بی‌قاعده، بی‌ضابطه، بی‌مهار و بی‌پایان تبدیل شده و بی‌انتها پیش رود تا فروپاشی کامل فردی و اجتماعی

رفتارهای زیرزمینی، شخصیت مجازی و غیرواقعی، همزاد و دیگری، دارندگان دو یا چند شخصیت که همگی حاصل مراعات مصلحت فردی، سازگارنمایی اقتضایی و معطوف به ریسک‌گریزی در دستور کار غالب مردم قرار دارد، بنیان و اساس جامعه را نزدیک به فروریزی قرارداده. این اصلی‌ترین علت کاهش و نفی اعتماد بین آحاد جامعه ایرانی است.

اعتماد و یا همان کیمیای هزارکاره که اصل و اساس همه تعاملات بین فردی، بنیان حیات اجتماعی و عامل حفظ و تداوم حیات بشر است، در میان مردمان دو یا چندشخصیتی و اهل نمایش و تظاهر تبدیل به متاع نایاب می‌شود که شده است.

درباره‌ی این رخداد، ابهاماتی تعجب‌آور مطرح است که پاسخ به آنها هرچه باشد، حتماً قانع‌کننده نخواهد بود و آن اینکه:

■ واهمه‌ی نداشته دختر نوجوان برای ملاقات با پسری ناشناس در منطقه‌ای خارج از شهر و در یک خانه‌باغ ناشناخته در فاصله بیش از یک هزار کیلومتری از کانون خانواده و محل اقامت

■ خشونت جدی و غیرقابل‌توجیه پسر جوانی که هم‌نوع خود از جنس مخالف را (که فیزیک و اساس وجودی‌اش با کتک و شکنجه و خشونت مردانه سازگاری ندارد) همراه با لذت، دوری از مروت و جوانمردی و با افتخار شکنجه می‌کند

بی‌اطلاعی خانواده‌ی دختر نوجوان از سفر غیرمنطقی، پرریسک و به شدت مخاطره‌آمیز دختری در مقطع سنی با احتمال تحقق انواع آسیب‌ها، از ضرب و جرح ساده تا قتلی فجیع!

■ تصور غیرواقعی و غیرعاقلانه فرد مرتکب جرم مبتنی بر شهر بی‌کلانتر و بی‌قانون، آن گونه که هم انسانی را شکنجه کند و هم به‌عنوان برگ افتخار، تصویر شکنجه را در گستره‌ای با مشترکان بیش از یک میلیارد نفر منتشر کند و انتظار مراجعه پلیس، سردی دست‌بند، استرس بازجویی، تفهیم اتهام، اقامت در زندان، مجازات قانونی، بدنامی پس از مجازات و تبعات اجتماعی ماندگار ناشی از ارتکاب جرم را هم نداشته باشد.

■ خانواده‌ها (در صدر آنها خانواده دو طرف اصلی این ماجرا) که گویی این دو فرزند، مولود آنها نبوده و در تعلیق مطلق، هر آنچه اراده نموده‌اند، طراحی و اجرا کرده‌اند، بی‌پروا، بی‌محدودیت، بی‌سنجش عقوبت و در نهایت دوری از عقلانیت و منطق حداقلی

■ جامعه‌ای که با شنیدن هر کدام از این جرایم، یک قدم به عقب به پیش رفته و قدر مسلم آن که از این سطح و نوع جرایم عبور کرده و منتظر ورژن‌های جدیدتر هستند تا همچنان این چرخه‌ی معیوب را تماشاگر باشند

با بررسی نه‌چندان عمیق این رخ داد با هدف تعیین چرایی ارتکاب، اثرات آشکار مربوط به نادیده‌انگاری عمومی موضوع «تهدید تابعان حقوق کیفری» (به نحوی که ناشی از وجود تهدید بالقوه و کیفر قابل اجرا، ارتکاب جرم برای افراد جامعه به صرفه نباشد) به عنوان یک بازدارنده مؤثر ذهنی و عملی بنیادین مطرح و دخیل است.

این که خانواده، جامعه و ساختارهای مسئول این باور را در همه‌ی شهروندان ایجاد کنند که ارتکاب هر اقدام مجرمانه، یقیناً منجر به شناسایی، دستگیری و تحمل مجازات خواهد شد و علاوه بر آن، آینده فرد نیز دچار اختلال و مانع گردیده و توجه به این مهم که اقامت (حتی کوتاه‌مدت) در زندان، فرد را دچار عوارض ماندگار خواهد کرد؛ عوارضی هم قابل‌بیان و هم غیرقابل‌بیان

در این ماجرا و در غالب قانون‌شکنی‌ها، تمردها، تجاوزها و اقدامات مجرمانه، نبود باور تهدید تابعان حقوق کیفری و نبود یقین بر وجود قابلیت اعمال مجازات، یک عنصر اصلی و تعیین‌کننده است که در این رخداد به طراحی و نمایش آن در عمومی‌ترین عرصه ممکن با بیش از یک میلیارد مشترک و بیننده منجر شد. گویی که اقدام به فریب قربانی در محل برای حضور در محل وقوع جرم، اقدام به نگهداری قربانی در مکان محصور بر خلاف اراده‌اش، (که هر دو آنها مصداق آن بخش از ماده ۶۲۱ است که می‌گوید به هر منظور و به هر نحو، شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند «منجر به سلب عملی آزادی و ممانعت عملی از خروج از محل»)، ضرب و شتم شدید و انتشار اقدامات مجرمانه در اینستاگرام، همگی در فضای تعلیق و در سرزمین بی‌قانون و کلانتر انجام شده است.

اما چه باید کرد؟

به نظر می‌رسد فصل مهندسی افکار، تربیت بنیادین و همچنین قابلیت اعمال کنترل‌های فیزیکی، حداقل درباره‌ی نسل‌های عبور کرده از سن تربیت‌پذیری، سپری شده باشد و در این میان، برقراری روند آموزشی، تفهیم و یادآوری مکرر و پی‌درپی الزامات تهدید تابعان حقوق کیفری و یا همان حتمیت شمول و اعمال مجازات ناشی از ارتکاب جرم به همراه انواع تبعات و پی‌آمدهای مترتب بر آن به تمامی افراد جامعه، ضرورتی مهم و در عین حال بازدارنده است که باید در یک روند هماهنگ در دستور کار مسئولان مربوطه، والدین و نهادهای تبلیغاتی قرار گیرد.

تهدید تابعان حقوق کیفری، یک تهدید بالفعل و تهاجمی نیست و به سرزمین خاصی منحصر نمی‌شود. تهدید از جنس مغایر با حقوق بشر نیست. بلکه مراعات‌کننده حقوق بشر و مانع از ارتکاب جرم علیه نوع بشر است و نشانه‌ای از الزامات و بدیهیات بنیادین و مبنایی جوامع بشری متکی به قانون و متمدن و نمایه‌ای از جامعه قانون‌گرا و قانون‌پذیر است. ظرفیتی قانونی که اگر برقرار نباشد یا باشد و مراعات نگردد، به‌طور حتم به پی‌آمدهای بسیار ناگوار منجر خواهد شد. پی‌آمدهایی از جنس تضییع مسلم حقوق بشر، تبدیل آحاد جامعه به قربانی جرم، افسار گسیختگی مجرمانه و تعدی و تجاوز بی‌پایان.

تهدید تابعان حقوق کیفری، تنها تهدیدی ذهنی و بالقوه درباره‌ی افراد یا گروه‌های فعال در ارتکاب جرم و کج‌روی نیست. تهدید تابعان حقوق کیفری یعنی اینکه همه شهروندان تحت حاکمیت در یک سرزمین، باور و یقین حتمی داشته باشند که به شرط تخطی از مقررات و ارتکاب جرم، بر اساس قوانین جاری در کشور مجازات خواهند شد. یعنی اینکه مجازات درباره‌ی همه‌ی مرتکبان جرم (صرف نظر از همه‌ی تفاوت‌های واقعی موجود) اعمال خواهد شد.

در مدت بیش از ۳ دهه خدمت و در پی‌جویی جرایم عدیده، بسیار دیده‌ام که مرتکبان جرایم و حتی جنایات، بعد از کسب اطلاع از جزییات قانون و شرح مجازات مترتب بر اقدام مجرمانه‌شان، با تمام وجود اعلام می‌کردند که اگر قبل از ارتکاب جرم، به همین اندازه از این جزییات مطلع بودند، هرگز مرتکب جرم نمی‌شدند و بسیاری هم بعد از یک نوبت تحمل مجازات، دیگر مرتکب جرم نشدند. البته بسیاری دیگر هم مکرراً مرتکب جرم شدند و می‌شوند؛ غالباً تحمیلی و از باب استیصال و کم - تعدادی از باب انتخاب و حرفه و به ندرت از باب عادت و لذت!

در پایان، نقش بی‌بدیل شبکه‌های مجازی در برقراری روند منجر به تعقیب قضایی و پلیسی منجر به شناسایی و دستگیری مرتکبان جرم را نمی‌توان نادیده گرفت. ظرفیتی که اگر نبود و فرد مرتکب جرم، ویدیوی ارتکاب جرم را در آن به نمایش نمی‌گذاشت، این جرم (که از سوی قربانی اعلام نشد) برملا نمی‌شد و در نتیجه، هرگز در فرآیند تعقیب قانونی قرار نمی‌گرفت و مانند بسیاری از جرایم در رقم «سیاه جرم» قرار می‌گرفت.

شرکت پردازش مدار زاگرس پارس
راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی
«کسب درآمد تضمینی با اجرای نیروگاه‌های خورشیدی و فروش برق»
در راستای طرح خرید تضمینی برق خورشیدی توسط وزارت نیرو با سرمایه‌گذاری اولیه به مدت ۲۰ سال بدون هیچ‌گونه هزینه تعمیر و نگهداری، می‌توانید کسب درآمد نمایید.
جهت مشاوره با شماره تلفن‌های: ۰۹۳۳۳۰۸۹۷۷۵ - ۰۹۱۷۱۲۵۱۷۹۲ تماس حاصل فرمایید

پایا صنعت
پنجره دوجداره upvc با پنجره آلومینیوم قدیمی
طرح اقساطی فروش و تعویض
کاهش هزینه‌های خود را هم‌اکنون آغاز کنید
شرایط اقساطی ویژه کارمندان
۱۰٪ تخفیف برای پنجره‌های تعویضی
باتوجه به افزایش چشمگیر تعرفه گاز و برق و افزایش آلودگی هوا و آلودگی صوتی از جمله مواردی که هم به اقتصاد و هم به آرامش خانواده‌ها کمک می‌کند، تعویض پنجره‌های قدیمی تکجداره یا دوجداره آهنی یا آلومینیومی با پنجره‌های دوجداره upvc است.
(جهت تعویض پنجره‌ها با پنجره upvc نیاز به تخریب و آهن‌کشی و آهنگری وجود ندارد)
آدرس: بلوار شهید عباسپور - نرسیده به خیابان علیار شول ۴۲۲۳۳۰۷۲ - ۰۹۳۷۱۸۶۵۹۰۴ بحرینی

انتخابات دوره نهم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
نام‌نویسی داوطلبان عضویت در هیات نمایندگان
۱۱ الی ۲۶ دی ۹۷
فرآیند نهمین دوره انتخابات اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور از سه‌شنبه ۱۱ دی ۹۷ آغاز شده و داوطلبان عضویت در هیات نمایندگان می‌توانند تا پایان وقت اداری ۲۶ دی ۹۷ برای نام‌نویسی به اتاق کرمان مراجعه نمایند.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۲۲۴۱۰۵۷ تماس و یا به لینک goo.gl/Czxifk مراجعه نمایید.
روابط‌عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گزار	دانشکده علوم‌پزشکی سیرجان
موضوع مزایده	واگذاری امور: داروخانه بیمارستان امام رضا(ع)
برآورد یک ساله	مبلغ به عدد: ۵/۹۶۱/۶۰۰/۰۰۰ ریال (به حروف: پنج میلیارد و نهصد و شصت و یک میلیون و ششصد هزار ریال)
تضمین شرکت در مزایده	مبلغ: ۲۴/۵۸۴/۸۰۰ ریال (بیست و چهار میلیون و پانصد و هشتاد و چهار هزار و هشتصد ریال) نوع تضمین شرکت در مزایده: واریز نقدی/ ضمانت‌نامه بانکی
دریافت اسناد از تاریخ درج آگهی لغایت ساعت: ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۰۱	الف): http //www.sirums.ac.ir آدرس سایت دانشکده علوم‌پزشکی سیرجان ب): پایگاه ملی مناقصات http: //iets .mporg.ir
آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: تا ساعت: ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۳	محل تسلیم پیشنهادها: سیرجان- بلوار سیدجمال- جنب پارک ترافیک- دانشکده علوم‌پزشکی
گشایش پیشنهادها	ساعت ۱۴ روز یک‌شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴

ضمنا جلسه توجیهی در ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۰۸ در محل دفتر برگزار خواهد شد.
هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.
روابط‌عمومی دانشکده علوم‌پزشکی سیرجان

شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان
(SJSCo.)
شرکت مجتمع جهان‌فولاد سیرجان در نظر دارد جهت تامین پمپ آبرسانی مورد نیاز کارخانه‌جات خود به مشخصات:
Model:VDP1732,"Outlet diameter12,"VANSAN PUMP/ Inlet diameter12
4m Vertical pump group= 75kw, L=1500rpm, Ne=35m, n=h, H/545m3=Q
از طریق مناقصه عمومی طبق شرایط ذیل اقدام کند. لذا از کلیه تامین‌کنندگان که توانایی تامین تجهیز مذکور را دارند، دعوت می‌شود پاکات خود را به آدرس: تهران- میدان ونک- بزرگراه حقانی- بعد از چهارراه جهان‌کودک- خیابان شهیدی- نبش کوچه ژوبین- پلاک ۲- کدپستی ۱۵۱۸۶۱۲۳۴۵ به نام آگهی مناقصه درخواست ۴۷۷۶ واحد بازرگانی ارسال نمایند.
شرایط:
– اعتبار این آگهی از تاریخ چاپ به مدت ۱۰ روز می‌باشد.
– هزینه چاپ آگهی به عهده برنده است.
– شرکت جهان‌فولاد در تایید یا عدم تایید پیشنهادهای ارسالی مختار است.

آگهی مزایده اموال غیر منقول نوبت دوم
احتراما نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۹۷۰۳۱۴۸ بایگانی اجرای احکام شوراها براساس صدور اجراییه محکوم علیه اصغر ده‌چاهی محکوم به پرداخت مبلغ ۲۰/۹۲۴/۹۴۴ تومان اصل خواسته و مبلغ ۱/۰۴۶/۲۴۸ تومان نیم‌عشر دولت در حق محکوم له امیر ادیب‌نیا گردیده که مشخصات ملک شماره پلاک ثبتی ۳۹۰۴ فرعی از ۶۵۱۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۶۹۳ و ۲۹۴۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۳۷ سیرجان ملکی هژیر علی‌نژاد می‌باشد که محکوم له تقاضای فروش فوق را از طریق اجرای احکام شوراها نموده‌اند که توسط کارشناس رسمی دادگستری بازدید و پلاک فوق واقع است در اراضی محمودآباد سادات- واگذاری تعاونی انصار- غرب ساختمان‌های نیمه‌ساز بتنی می‌باشد که به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی و تعیین قیمت گردیده و مال معرفی شده در روز دوشنبه به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ ساعت ۱۱ ظهر از طریق مزایده در محل اجرای احکام شوراها به فروش می‌رسد. مزایده از قیمت کارشناسی شروع و برنده مزایده کسی است که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید. ۱۰ درصد قیمت پیشنهادی فی‌المجلس از برنده اخذ تا در صورت انصراف پس از کسر هزینه‌های اجرایی مابقی به حساب درآمدهای دولت واریز می‌گردد. متقاضیان می‌توانند پیشنهادهای خویش را به انضمام فیش ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی که واریز به شماره حساب ۲۱۷۱۲۹۳۸۲۵۰۰۷ سپرده دادگستری نزد بانک ملی گردد داخل پاکت دربسته حداکثر تا قبل از زمان برگزاری مزایده از طریق پست سفارشی به این اجرا ارسال و یا تحویل دفتر اجرای احکام شوراها نمایند و روی پاکت قید نمایند مربوط به مزایده مورخه دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ می‌باشد. در صورت برنده شدن و انصراف ۱۰ درصد واریزی به نفع دولت ضبط می‌شود.
مدیر دفتر اجرای احکام شوراهای حل اختلاف سیرجان- عباسلو

صبحانه‌تون را اعیونی بخورید
آدرس: سیرجان- بلوار سردارجنگل- خیابان ناظرزاده
کافه‌رستوران اعیونی تلفن: ۴۲۲۰۳۸۳۴

جناب آقای حاج‌مظفر و محمدرضا سیاه‌جلی
و جناب آقای مهندس ابوذر اسفندیارپور
بدین‌وسیله برخود لازم دانستم مصیبت وارده را به شما و خانواده‌های محترم‌تان تسلیت عرض نماییم. از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بستگان صبر و شکیبایی خواستاریم.
مرتضی و مصطفی کهن‌شهری

جناب آقای جواد زیدآبادی
درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت می‌گوییم. خداوند ایشان را غریق رحمت گرداند و به شما و خانواده گرامی‌تان صبر و اجر دهد.
محمد عوض‌پور، رضا مسلمی‌زاده، محسن بیگ‌زاده، رضا اسلامی

سرکار خانم مهندس شاکری
انتصاب شایسته حضرتعالی به عنوان مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان را به شما تبریک عرض نموده، برایتان موفقیت روزافزون و توفیق خدمتگزاری در پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی را از درگاه ایزد منان مسئلت می‌نماییم.
محمدرضا محمودآبادی
کارشناس اداره محیط‌زیست سیرجان

سرکار خانم مرجان شاکری
انتصاب شایسته شما به سمت مدیر کل اداره حفاظت محیط‌زیست استان کرمان که نشان از کارآمدی و تلاش‌های بی‌وقفه شما در راستای انجام وظایف محوله دارد را تبریک عرض می‌نماییم. امید است در پرتو الطاف الهی بیش از پیش سربلند، پیروز و موفق باشد.
رییس و کارکنان اداره محیط‌زیست شهرستان سیرجان